

شعر و اجتماع*

مسأله‌ی هنر و سیاست بی شک مسأله‌ی مهمی است. از هر چه سخن بگوییم باز سر همین مطلب برمی‌گردیم و هرگز هم تا حد صراحت نمی‌رسیم. به نظر من گره این مشکل به دست شاعران گشوده می‌شود. گمان نمی‌کنم بشود در این مورد دستورالعملی به آن‌ها داد. شاعران گریزی جز این ندارند که شعر خوب به ما عرضه کنند. اما معیار شعر خوب چیست؟ و چگونه می‌توان به دستش آورد؟ خواهید گفت: تنها راه درست برای یافتن چنین معیاری اینست که وجه مشترک تمام اشعاری را که تا امروز به عنوان شعر خوب شناخته شده‌اند، جستجو کنیم. تا آنجا که من می‌دانم وجه مشترک شعرهای خوب اینست: شعر خوب غیر از تأثیر و رنگ و بویی که از اشعار خوب پیشین پذیرفته است، از جهتی هم دارای ارزشی است مافوق همه‌ی آن‌ها: در یک شعر خوب می‌توان تأثیر و انعکاس جنبش‌های فکری معاصر را یافت و به علاوه شعر با قدرتی که دارد به این افکار صراحت و عمق و غنای بیش تری می‌بخشد. یک شعر خوب علاوه بر دارا بودن جنبه‌هایی که آن را در سطح بالاتری از ذوق‌های پست قرار می‌دهد، نمونه‌ی با ارزشی است از دید و برداشت انسانی، طرح، موضوع، بیان و فکر. یک شعر خوب از خواست‌ها، رنج و شادی‌های تازه‌ی اجتماعی که در طلب حقوق خود

* - مقاله‌ی «شعر و اجتماع» را با استفاده از کتاب «هنر شعر» تألیف یاشار نبی- مقاله‌ی صلاح الدین ایوب اوغلو- چاپ استانبول نوشته است.

است سخن می گوید، به صراحت یا به کنایه، پراکنده و یا یکجا. شعر خوب راه زمان خود و اجتماعی را که در آن زندگی می کند به اندازه‌ی یک سیاستمدار، حتا گاهی بیش تر و بهتر از او، می شناسد.

باید گفت چنین شناسایی قالب و فورمول بخصوصی نمی تواند داشته باشد که به درد تمام دوران ها بخورد. از اینجاست که گفته می شود یک شاعر خوب باید خواست های رهبران و سیاستمداران را درست مثل همه‌ی هموطنان دیگرش بداند و احساس کند و در ترویج آن ها بکوشد.

یک سیاستمدار خواه ناخواه بیش تر، از یک شاعر انتظار همفکری دارد تا از یک معمار، موسیقیدان، دوزنده و کفاش، چرا که شعر گذشته از هر چیز، کلام است و کلام قطعی ترین ابزار انتقال فکر به دیگران است. فکر زاییده‌ی هر چه باشد- چنانکه گروهی از متفکران برآند که اثر و انعکاس مسلم محیط خارج است- بیش تر و بهتر از همه به وسیله‌ی کلام منتقل می شود.

سختی کار اینجاست که یک سیاستمدار که مثل دیگر هم وطنانش پشت میز مدرسه نشسته، سخنان و گاه آرزوهای سرکوفته ای دارد خارج از هنر شعر و شاعری. او شاعری را که خود نمی‌پسندد یا نمی‌فهمد و بر او رشک می‌برد، با شمشیر بر آن سیاستش می‌تواند دو نیم کند.

شاعر نیز مجبور است با آگاهی وکیل مدافع خود باشد. در حالی که یک شاعر خوب با اینکه مجبور است خواست های مردم را مثل دیگران دریابد، نمی‌تواند در کار هنری اش از هر کسی دستور کار قبول کند. می‌گوییم در کار هنری اش، وگرنه در مسائل عقیدتی و این ها شاعر هم می‌تواند مثل هر روشنفکری طرفدار جمعیت یا ایدئولوژی خاصی باشد. امروزه دیگر هر

شاعر خوبی می خواهد به نحوی با سخن و شعرش قاتی جنبش های اجتماعی و مسائل سیاسی شود.

آن کدام شاعر بزرگی است که به حادثه ها و خبرهای روزنامه ها بی اعتنا مانده باشد و مثل یک کارمند بازنشسته به گوشه ی دنجی کشیده شده باشد و به این قناعت کند که آثار بی بو و خاصیتی پس بدهد و «اشعار مشعارش» چیزی در ردیف اشیای تفننی و لوکس و زینتی باشد؟

در این صورت شاعری که اجتماع انسان ها را سر خود ول می کند - در عصری که انسان ها برای نوسازی زندگی به پا خاسته اند و با فهم تازه ای در پی همبستگی هستند- توجه چه کسی را جلب خواهد کرد؟

دیگر گذشت آن روزهایی که شعر تنها برای تفنن بود و چیزی در ردیف مزه ی بساط عرق و غیره و در حاشیه ی ساز و مزفان و مجالس و برنامه هایی از نوع «گل های جاویدان» و این ها. ما شاعری را نمی خواهیم که آرزو کند «کاش ماهی سرخ رنگ توی بطری عرق بودم!» و همین جا توقف کند و چشم هایش را به تمام پستی ها و آلودگی ها و حوادث دیگر دور و برش کور کند. هم چنین شاعری را لازم نداریم که امروز به طور سطحی دم از «یأس و بیداد» می زند و فردا که پای عمل به میان آمد خود را به کوچه ی علی چپ می زند گویی که آب از آب تکان نخورده.

راستی که شعر خوب هرگز مرتکب این کثافت کاری ها نشده است.

با این همه مسأله ی اساسی شعر جنبه ی هنری آن است. شاعر اگر هنرمند نباشد، نمی تواند شعرش را با وجود دارا بودن مضمون زیبا میان مردم ببرد و جاودان کند.

خلاصه آنکه تنها سخنگوی فکر و عقیده ای خاص است و به خیالش که «شاعری» هم بلد است و قضیه‌ی هنر و این‌ها هم چیز سهل و ساده‌ای است، نه با درد سیاست می‌خورد و نه به درد هنر و شعر. شاعر هم اگر می‌خواهد دوشادوش مهندس، دکتر، مرد سیاسی و معلم به اجتماع خدمت کند باید رموز سیاست و ظرایف هنر خود را به اندازه‌ی آنان بداند و به کار برد. به چه درد می‌خورد شاعر و راج بی‌فرهنگ و ناآگاه از تکنیک که از دعوای به حقی با زبان الکنش دفاع کند؟

مهد آزادی آدینه

تیر ۱۳۴۵

منبع: انتشارات روزبهان سال ۱۳۴۲ مجموعه مقاله‌های صمد بهرنگی

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴